

اسراف نکنیم

حضرت امام علی بن موسی رضا میوه نیم خورده ای را دیدند که روی زمین افتاده است که یکی از نزدیکان ایشان مقداری از آن را خورده بود و بقیه اش را دور انداخته بود. امام رضا ناراحت شدند و او را صدا زدند و فرمودند: "چرا اسراف می کنی؟ چرا به نعمت های خدا بی اعتنائی می کنی؟ مگر نمی دانی که خدا اسراف کاران را دوست ندارد؟ مگر نمی دانی که خدا اسراف کاران را سخت کیفر می دهد. شما اگر به چیزی احتیاج ندارید، آن را تلف نکنید و بیهوده مصرف نکنید، آن را در اختیار کسانی بگذارید که به آن نیاز دارند." با توجه به این سخنان امام رضا آیا می توانید بگویند که:

چرا خدا اسراف کاران را دوست ندارد؟

چرا اسراف کردن زشت و ناپسند است؟

برای اینکه به این دو سؤال پاسخ دهید، به خاطر بیاورید که برای درست شدن یک سیب چه مقدار نیرو و انرژی مصرف شده است؟ چه اندازه کار انجام گرفته است؟

مثلاً فکر کنید که برای رونیدن یک درخت سیب، چه مقدار انرژی خورشید لازم است؟ چند مقدار آب و هوا و مواد معدنی باید مصرف شود و چه افرادی باید بکوشند تا یک دانه سیب به دست شما برسد؟ فکر کنید که این مقدار کار و انرژی قدر ارزش دارد؟

وقتی قسمتی از یک میوه را دور می ریزید یا نعمتی دیگر از نعمت های خدا را بیهوده مصرف می کنید، در حقیقت آن همه انرژی و زحمت را تلف کرده اید و دور ریخته اید. علاوه بر این، انسان دیگری را از نعمت های خدا محروم نموده اید.

و حق او را ضایع ساخته اید.

آیا اسراف کردن بی احترامی به نعمتهای خدا نیست ؟

آیا اسراف ناسپاسی نسبت به خدا نیست ؟ آیا اسراف کردن ظلم به دیگران

نیست ؟ چرا نعمتهای خدا را ، بی ارزش می شمارید ؟

چرا آنها را بی جا و بیهوده از بین می برید ؟ آیا راضی می شوید کودکی گرسنه بخوابد و شما مقداری از غذای خود را دور بریزید ؟ یا میوه ها را نیم خورده و مصرف نشده در ظرف خاکروب به بیندازید ؟ آیا راضی می شوید کودکی چون مداد و کاغذ ندارد ، از تحصیل محروم شود و شما کاغذ و دفترچه خود را بی جهت پاره کنید ؟ یا ننوشته و سفید بگذارید ؟ آیا سزاوار است شما بیش از مقدار احتیاج ، برق مصرف کنید و دیگران به قدر کافی روشنایی و برق نداشته باشند ؟ در صورتی که خدا آب و آفتاب ، خاک و هوا و نعمتهای دیگرش را برای همه انسان ها آفریده است ، و هر انسانی باید از نعمتهای خدا بهره مند گردد.

(مقتبس از کتاب فارسی سوم دبستان ، جمهوری اسلامی ایران)

فرهنگ

اسراف : فضول خرچی میوه نیم خورده : آدها کھایا ہوا پھل

یکی از نزدیکانش : اُن کے ایک قریبی نے مقداری : کچھ تھوڑا سا

صدا زدن : آواز دینا آفریدن : پیدا کرنا ، تخلیق کرنا

اسراف کار : مُصرف ، فضول خرچ دوست داشتن : پسند کرنا

احتیاج داشتن : ضرورت ہونا تلف کردن : ضائع کرنا

بیمہ شدہ : فضول، بے مقصد	مصرف کردن : استعمال کرنا
زشت : بُرا، بد	سخنان : اقوال، ارشادات
درست شدن : بننا	بہ خاطر آوردن : سوچنا، دل میں لانا
انرژی : توانائی، قوت،	نیرو : قوت، طاقت، توانائی
مصرف شدن : استعمال ہونا	خورشید : سورج
چہ اندازہ : کس قدر	انجام گرفتن : انجام پذیر ہونا
مواد معدنی : معدنی مواد، معدنی دولت	رونیدن : اُگنا (روید مضارع)
آرزش : قدر و قیمت	کوشیدن : کوشش کرنا (کوشد مضارع)
ریختن : گرنا، گرانا	قسمتی : ایک حصہ
ضایع ساختن : ضائع کر دینا	رحمت : محنت
ناسپاسی : ناشکری	بی احترامی : بے حرمتی، بے ادبی
از بین بردن : تباہ کرنا، برباد کرنا	شمردن : شمار کرنا
تشنہ : پیاسا	گرسنہ : بھوکا
تلف کردن : ضائع کرنا	ظرف خاکروبہ : کوڑا کرکٹ ڈالنے کا برتن
تحصیل : تعلیم	مذاذ : پنل
بی جہت : بغیر کسی وجہ کے، بے مقصد	دفترچہ : کاپی، نوٹ بک
گذاشتن : چھوڑ دینا (گذار مضارع)	ننوشته : بغیر لکھے ہوئے
بقدر کافی : کافی مقدار	سزاوار : مناسب، شائستہ، لائق
آفتاب : دھوپ	روشنائی : روشنی
در اختیار دیگران گذاردن : دوسرے کے اختیار میں دینا، چھوڑ دینا	
بی اعتنائی کردن : نظر انداز کرنا، بے توجہی کرنا	

تمرین

۱- فارسی میں جواب دیجیے۔

۱- آیا خدای بزرگ اسراف کاران را دوست دارد ؟

۲- آیا اسراف کردن ظلم به دیگران است ؟

۳- آیا جایز است کہ نعمتہای خدا را بی ارزش شماریم ؟

۴- آیا جایز است کسی ، دیگران را از نعمت ہای خدا محروم کند ؟

۲- اسراف کے موضوع پر فارسی میں پانچ جملے لکھیے۔

۳- مندرجہ ذیل الفاظ کو فارسی جملوں میں استعمال کیجیے۔

اسراف ، کیفر ، نیرو ، مصرف ، نعمت ، ارزش ، گرسنه ، تشنه ، کودک ، شمردن